

از شیطان رانده شده بخدا پناه می برم
بنام خدا بخشنده مهربان

پیام خدا به رهبران و مردم ایران (از حدیث و سنت نباید پیروی کرد)

کدام حکم؟

[۶:۱۱۴] أَفَغَيْرَ اللَّهِ أُبْتَغَىٰ حَكَمًا وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا وَالَّذِينَ ءَاتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِّنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ

[۶:۱۱۴] آیا غیر از قانون خدا به منبع دیگری رجوع کنم، در حالی که او این کتاب را با تمام جزئیات برای شما نازل کرده است؟ کسانی که کتاب آسمانی دریافت کردند، تشخیص می دهند که این از جانب پروردگارت با حقیقت نازل شده است. هیچ شکی به خود راه نده.

کدام حدیث؟

[۴۵:۶] تِلْكَ ءَايَةُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَ اللَّهِ وَءَايَتِهِ يُؤْمِنُونَ

[۴۵:۶] اینها آیات خداست که ما به حقیقت بر تو می خوانیم. به کدام حدیث به غیر از خدا و آیاتش ایمان دارند؟

۱- فساد و هرج و مرج، نتیجه پیروی از حدیث و سنت

یکی از حربه هایی که شیطان بوسیله آن، مردم را به فساد و بدبختی می کشاند، پیروی از منابع دیگری به عنوان حدیث و سنت در کنار قرآن است. متأسفانه مسلمانان کتابهای حدیث و سنت را به عنوان منبع دوم دین خود قرار داده اند. خدای حکیم میفرماید که کلمه خوب همانند درخت خوبی است که ریشه آن محکم و ثابت است و شاخه های آن سر به آسمان کشیده است. اما کلمه بد همانند درخت بدی است که از سطح خاک قطع شده است و ریشه ای ندارد که آن را بر جای نگه دارد.

[۱۴:۲۶] وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ

[۱۴:۲۶] و مثال کلمه بد همانند درخت بدی است که از سطح خاک قطع شده است؛ ریشه ای ندارد که آن را بر جای نگاه دارد.

[۱۴:۲۴] أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ

[۱۴:۲۴] آیا نمی بینی که خدا کلمه خوب را همانند درخت خوب مثال زده است که ریشه آن محکم و ثابت و شاخه های آن سر به آسمان کشیده است؟

کلام خدا در قرآن همانند درخت خوب است که ریشه آن محکم و ثابت و شاخه های آن سر به آسمان کشیده است. در عوض مهملات ضد و نقیضی که بعنوان حدیث و سنت بما رسیده است و باعث تفرقه و انحراف مردم از دین خدا می گردد مانند درخت بدی است که از سطح خاک قطع شده و ریشه ای ندارد که آنرا بر جای نگاه دارد. وعده های الهی بدون شک و یقین تحقق خواهند یافت. خدا وعده داده است که مردمی که از گفته های خدا پیروی نکنند و در عوض از گفته های غیر خدا پیروی کنند، در فساد و هرج و مرج و پلیدی گرفتار خواهند شد.

[۲:۱۶۸] يَأَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَلًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ

[۲:۱۶۸] ای مردم، از محصولات زمین، تمام چیزهایی را که خوب و حلال هستند بخورید و از گام های شیطان پیروی نکنید؛ او سرسخت ترین دشمن شماست.

[۲:۱۶۹] إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ

[۲:۱۶۹] او فقط شما را به کارهای پلید و نادرست امر می کند و اینکه شما درباره خدا چیزی بگویید که نمی دانید.

شیطان می خواهد که مردم را از قرآن دور کند و آنها را بسوی حدیث و سنت که باعث تفرقه در دین و هر ج و مرج و فساد می شود سوق دهد. ای مردم از خدعه های شیطان بر حذر باشید و بدانید که خدای متعال آنانی را که پیرو کتاب آسمانی هستند براه راست هدایت خواهد کرد.

۲- شیطان از طریق مرده ها، گفته هایش را گسترش می دهد

شاید اگر به یک مسلمان بگویید که حدیث و سنت ساخته و وسوسه شیطان است، باور نکنند و حتی شما را به کفر متهم کند. اما این سنت خداست که هر پیامبری دشمنانی پیدا می کند که پیامی در موازات پیام اصلی خدا ایجاد کنند. برای مثال بعد از فوت مسیح، مردم آن زمان، پیامی موازی با پیام او اختراع کردند که نهایتاً منجر به بت کردن مسیح شد.

[۶:۱۱۲] وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ

[۶:۱۱۲] ما اجازه داده ایم که دشمنان هر پیامبری - شیاطین انس و جن - کلمات به ظاهر زیبا به یکدیگر الهام کنند تا یکدیگر را فریب دهند. اگر پروردگارت می خواست، آنها چنین نمی کردند. به آنها و سخنان ساختگی شان اعتنا نکن.

چندین سال بعد از مرگ پیامبر محمد، شیطان مردم را به ساخت کتابهایی بنام حدیث و سنت، وسوسه کرد تا که مطالب آن در کنار قرآن قرار گیرد. کسانی که احادیث را جمع آوری می کردند، فکر نمی کردند که در آینده، روزی مردم این کتابها را در کنار قرآن بعنوان منبع دین قرار دهند. این یک واقعیت ثابت شده است که شیطان از طریق مرده ها حرفش را می زند. بیشتر مردم جهان شیطان را موجودی خبیث می دانند و به همین خاطر، شیطان مستقیم حرفش را نمی زند، بلکه از طریق شخصیت های مرده و غایب که مردم قبولش دارند، حرفش را می زند. شیطان در پشت صحنه و مخفیانه کارهایش را انجام می دهد. زمانی که پیامبر موسی به مدت چهل شبانه روز، قومش را به مقصد کوه طور ترک کرد، در غیاب او، مردم گوساله پرست شدند. مردم آن زمان دلیل این عمل خویش را به موسی و راه و روش موسی نسبت می دادند. سامری در جواب این سوال که چرا گوساله را ساختید، گفت: من بوسیله مشتی (خاک) از مکانی که **رسول در آنجا ایستاده بود**، این کار را کردم! همانطور که می بینید سامری در غیاب رسول، کارش را به رسول (و به اثر رسول) نسبت می دهد.

[۲۰:۹۶] قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِنْ أَثَرِ الرَّسُولِ فَنَبَذْتُهَا وَكَذَلِكَ سَوَّيْتُ لِي نَفْسِي

[۲۰:۹۶] او گفت: "من چیزی را دیدم که آنها نمی توانستند ببینند. من مشتی (خاک) از مکانی که رسول در آنجا ایستاده بود، برداشتم و آن را به کار بردم (تا با گوساله طلایی مخلوط کنم). فکر من این کار را به من الهام کرد."

پیامبر محمد، نوشتن چیزی غیر از قرآن را منع کرده بود. کسانی که در غیاب پیامبر محمد، دست به جمع آوری حدیث زدند، مدعی بودند که روایات و سنت پیامبر را جمع آوری می کنند. شیطان کتابهای حدیث و سنت را خیلی زیرکانه زینت داده است تا که کسی شک نکند. به همین خاطر در کنار حرفهای خود، جملات درست را هم جا میدهد تا که کسی شک نکند. مثلاً آنجایی که حکم به کشتن تارک نماز میدهد، در کنارش میگوید: به همسایه خویش کمک کنید. شیطان اینجوری مردم را فریب می دهد. به این طریق شیطان خودش را نصیحت کننده ای امین معرفی می نماید.

اما کتاب خدا، قرآن، دارای جملات دقیقی است که روی حرف به حرف آن میتوان حساب کرد. خدا قرآن را ساده آفریده است و با پیروی از فرامین خدا در قرآن براحتی میتوان به نتیجه مطلوب که همان رستگاری است رسید. خدای مهربان در قرآن اعلام میدارد که رسول باید آیات الهی را بمردم ابلاغ کند. حال آنکه راویان قرن دوم و سوم در غیاب پیامبر، گفته های زیادی را به او نسبت میدهند و پیامبر هم از این گفته ها بیخبر است و در تصحیح آن سخنان، کاری از دست او برنمی آید و بر نیامده است. معلوم نیست که چرا منبع دوم اسلام باید در غیاب پیامبر بوجود آید؟ آیا این چیزی جز حيله شیطان است؟ بنابراین نتیجه می گیریم که شیطان در غیاب رسولان حيله هایش را اجرا می کند.

۳- هر آنچه که بخواهی، در حدیث و سنت هست

یکی از خصوصیات کتابهایی که توسط افراد، وسوسه شده بوسیله شیطان، نگارش یافته، این است که هر آنچه که بخواهی در آن هست. این نکته در آیه ۳۸ ام سوره قلم به طرز زیبایی گفته شده است.

[۶۸:۳۷] أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ

[۶۸:۳۷] آیا کتاب دیگری دارید تا از آن پیروی کنید؟

[۶۸:۳۸] إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَمَا تَخَيَّرُونَ

[۶۸:۳۸] آیا در آن، هرچه می خواهید، می یابید؟

مطالب موجود در کتب حدیث، حتی با خود اختلاف دارند و در این حالت، هر فرقه ای، ایده ای را انتخاب نموده است. آخرین خطبه پیامبر در حضور هزاران نفر انجام شد و این خطبه به چندین حالت مختلف نقل شده است. عده ای گفتند که پیامبر گفته من دو چیز برای شما باقی میگذارم و آن هم کتاب خدا و عترت من است و اگر به آن دو متمسک شوید منحرف نخواهید شد. گروه دومی گفتند که پیامبر گفته من دو چیز برای شما باقی میگذارم و آن هم کتاب خدا و سنت من است و اگر به آن دو متمسک شوید منحرف نخواهید شد. گروهی دیگر گفتند که پیامبر گفته من یک چیز برای شما باقی میگذارم و آن هم کتاب خدا است و اگر به آن متمسک شوید هیچوقت منحرف نخواهید شد. حالا شما میبینید که حرف پیامبر در حضور هزاران نفر به سه حالت مختلف و متضاد به ما رسیده است و هر گروهی برای خود یکی را انتخاب کرده است. این حدیث در تاریخ به سه طریق مختلف و متضاد به مردم رسیده است. این برای ما ثابت میکند که اکثر احادیث، دید گردآورندگان حدیث را نشان میدهد. هزاران نفر نتوانستند یک حرف پیامبر را سالم برای ما منتقل کنند، زیرا که کتب حدیث از شایعات گرد آوری شده است و بیشتر دید مردم قرن دوم و سوم هجری نسبت به دین را نشان میدهد و این همان دین آبا و اجدادی است. در سوره کهف خدای مهربان به چند مورد جالب اشاره دارد، یکی از آن نکات در آیه زیر گفته شده است:

[۱۸:۲۲] سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةٌ رَّابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ رَجْمًا بِالْغَيْبِ وَيَقُولُونَ سَبْعَةٌ وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ بِعِدَّتِهِمْ مَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مِرَاءً ظَهْرًا وَلَا تَسْتَفْتِ فِيهِمْ مِنْهُمْ أَحَدًا

[۱۸:۲۲] بعضی می گویند: "آنها سه نفر بودند؛ سگشان چهارمین بود،" در حالی که برخی دیگر می گویند: "پنج نفر؛ ششمین آنها سگشان بود،" در حالی که حدس می زدند. بعضی گفتند: "هفت نفر" و هشتمین سگشان بود. بگو: "پروردگار من به تعداد آنها دانایتر است." فقط عده کمی تعداد صحیح را می دانستند. بنابراین، با آنها مجادله نکن؛ فقط با آنها مدارا کن. احتیاجی نیست با کسی در این باره مشورت کنی.

گروه اولی می گویند : "آنها سه نفر بودند؛ سگشان چهارمین بود،"

گروه دومی می گویند : "پنج نفر؛ ششمین آنها سگشان بود،"

گروه سوم می گویند : "هفت نفر" و هشتمین سگشان بود.

و ...

در ادامه خدا میفرماید اینها همگی حدس و گمان است. بنابراین، با آنها مجادله نکن؛ فقط با آنها مدارا کن. احتیاجی نیست با کسی در این باره مشورت کنی. آخرین خطبه پیامبر به سه صورت مختلف نقل شده است :

گروه اولی : کتابی و عترتی (ابن حنبل ۳۶۶/۴)

گروه دومی : کتابی و سنتی (موطا مالک ۳/۴۶)

گروه سومی : کتابی (مسلم ۱۹/۱۵)

آیا شما به شباهت مردم زمان اصحاب کهف در آیه ۲۲ سوره کهف با نقل کنندگان آخرین خطبه پیامبر دقت کرده اید؟ هر دو گفته های سه گروه را ذکر می کنند که ضد و نقیض همدند. چرا باید آخرین خطبه پیامبر، به سه صورت مختلف نقل شود؛ مگر نعوذ بالله پیامبر ضد و نقیض حرف می زده است؟ مگر پیامبر نباید پیامش را روشن ابلاغ دارد؟ مطمئناً پیامبر ضد و نقیض حرف نزده است، بلکه این راویان حدیث هستند که ضد و نقیض حرف زده اند. بر طبق آیه ۱۸:۲۲، نباید به حدیث و سنت اعتماد کرد. کسی که خود را مسلمان میداند نباید و احتیاجی نیست که با کتب حدیث دین خود را روشن نماید. تا زمانی که کتابهای حدیث در میان مسلمانان شایع نشده بود به پیشرفتهای خوبی رسیدند و در علوم روز دست آوردهای جدیدی کسب کردند اما از زمانی که تقلید شروع شد و جایی برای فکر کردن روی قرآن نماند؛ مسلمانان رو به دستنوشته های راویان حدیث آوردند و قدرت علمی آنان رو به زوال نهاد. خدای مهربان در اولین آیاتی که نازل فرمود اعلام می دارد که وحی الهی باید بوسیله قلم نوشته شود. این یعنی اینکه رسول باید پیامش را در زمان حیات خود نوشته باشد و تنها چیزی که در زمان حیات پیامبر اسلام نوشته شد فقط قرآن بود.

[۹۶:۱] اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ

[۹۶:۱] بخوان، به نام پروردگارت که خلق کرد.

[۹۶:۲] خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ

[۹۶:۲] او انسان را از رویان آفرید.

[۹۶:۳] اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ

[۹۶:۳] بخوان و پروردگارت، بلندمرتبه ترین را.

[۹۶:۴] الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ

[۹۶:۴] او به وسیله قلم می آموزد.

[۹۶:۵] عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ

[۹۶:۵] او به انسان چیزی را می آموزد که هرگز نمی دانست.

۴- کتاب خدا دارای تضاد نیست.

اگر پیامی از طرف خدا باشد، نباید در آن تضاد و اختلاف باشد. یکی از شرایط پذیرش یک کتاب به عنوان پیام خدا، عدم تضاد در آن است. اما کتابهای حدیث و سنت پر است از تضاد و اختلاف، همانطور که در قسمت پیشین گفته شد.

خدا می‌فرماید :

[۴:۸۲] أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا

[۴:۸۲] چرا قرآن را با دقت مطالعه نمی‌کنند؟ اگر از جانب غیر خدا بود، در آن ضد و نقیضهای بسیار پیدا می‌کردند.

کلام خدا متحد می‌کند، اما کلام غیر خدا متفرق و فرقه فرقه می‌کند. ای کاش همه مسلمانان دست از تعصبات فرقه ای برداشته و می‌فهمیدند که حدیث و سنت پیام خدا نیست؛ بلکه حربه شیطان است. این یک اصل پذیرفته شده است که از یک کلام متضاد، فرقه های متضاد حاصل میشود. اینکه فرقه ای، احادیثی را صحیح می‌پندارد و دیگری آن را ناصحیح می‌پندارد؛ نشان از این دارد که حدیث، منبع و منشاء تمام اختلافات است. تمام فرقه های مذهبی موجود، از احادیث نشأت گرفته اند؛ هیچکدام از فرقه ها بر اثر پیروی از قرآن بوجود نیامده اند. زیرا کسی که از قرآن پیروی کند، نباید و نشاید اسمی غیر از مسلمان برای خودش انتخاب کند. از پیروان حدیث و سنت باید پرسید که چرا نامی غیر از مسلمان برای خود انتخاب می‌کنند؟! آیا این چیزی غیر از بازی کثیف شیطان است؟ تمام پیامبران از اول خلقت تابحال، تنها یک نام بر دین خود و بر خود گذاشته اند و آن هم اسلام و مسلمان است.

[۲:۱۲۸] رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةٌ مُسْلِمَةٌ لَكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ

[۲:۱۲۸] "پروردگار ما، ما را از تسلیم شدگان خود قرار بده و بگذار از نسل ما امتی پدید آید که به تو تسلیم باشد. آداب دینمان را به ما بیاموز و توبه ما را بپذیر. تویی آمرزنده، مهربانترین.

[۶:۱۶۳] لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ

[۱۶۳:۶] "او شریکی ندارد. این است آنچه که به من امر شده است تا به آن ایمان بیاورم و من پیشگام تسلیم شدگانم."

[۱۰:۸۴] وَقَالَ مُوسَى يَقَوْمِ إِن كُنتُمْ ءَامَنُتُمْ بِاللّٰهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا إِن كُنتُمْ مُّسْلِمِينَ
[۱۰:۸۴] موسی گفت: "ای قوم من، اگر شما واقعا به خدا ایمان آورده اید، پس به او اعتماد کنید، اگر حقیقتا از تسلیم شدگان هستید."

[۲۷:۹۱] إِنَّمَا أَمِرتُ أَنْ أَعْبُدَ رَبَّ هَذِهِ الْبَلَدَةِ الَّذِي حَرَّمَهَا وَلَهُ كُلُّ شَيْءٍ وَأَمِرتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ
[۲۷:۹۱] به من فقط امر شده است که پروردگار این شهر را پرستش کنم - او آن را عبادتگاهی امن قرار داد - و او صاحب همه چیز است. به من امر شده است تا تسلیم شده باشم.

[۴۱:۳۳] وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ
[۴۱:۳۳] چه کسی می تواند بهتر از آن که به سوی خدا دعوت می کند، سخن بگوید، اعمال پرهیزکارانه انجام می دهد و می گوید: "من یکی از تسلیم شدگان هستم؟"

[۲۲:۷۸] وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِّلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ
[۲۲:۷۸] در راه خدا آنچه که باید، کوشش کنید. او شما را انتخاب کرده است و در تکالیف دینتان هیچ گونه سختی برای شما قرار نداده است - دین پدرتان ابراهیم. اوست که در اصل شما را "تسلیم شدگان" نامید. پس، رسول شاهی باشد در میان شما و شما شاهی باشید در میان مردم. بنابراین، نمازها (ارتباط با خدا) را بر پا دارید و زکات (انفاق واجب) را بدهید و به خدا متوسل شوید؛ اوست مولای شما، بهترین مولا و بهترین پشتیبان.

۵- احادیث تاثیر گرفته از سلايق افراد و سياستها و حكومتهای زمان خویش هستند.

یکی از افرادی که بیشترین حدیث از او نقل شده است، ابوهریره است. از این فرد نزدیک به ۶۰۰۰ حدیث نقل شده است. برای نمونه، بیشتر احادیثی که بر ضد سگ نقل شده است، به این فرد می رسد. در کتابهای مختلف حدیث، از ابوهریره نقل شده است که سگ نجس است؛ سگ را باید کشت و ...

مردم به این فرد، ابوهریره لقب داده بودند، زیرا این فرد دوستدار گربه بوده است و در خانه خود گربه نگهداری می کرده است. هریره در عربی به معنای بچه گربه است. از همینجا روشن میشود که چرا این فرد آنقدر با سگ دشمنی داشته است و در احادیثی که در مورد سگ آمده است، شدیدترین و بی رحمانه ترین جملات در مورد سگ از او نقل شده است. این در حالی است که خدای حکیم در سوره کهف از یاران غار یاد می کند که همراه سگشان در غار بودند. حدیث دیگری از این فرد منقول است که اگر میمون، سگ و زن از جلو نمازگذار رد شوند، نماز نمازگذار باطل است!

همانطور که می بینید بیشتر احادیث ساخته و نشات گرفته از فرهنگها و خرافات و سلاقی افراد است. حکام اموی و عباسی و مخالفین این حکومتها، هم در ایجاد حدیث، کم تاثیر نبوده اند. اگر احادیث منسوب به ابوهریره، مشکلات اینچنینی دارد، احادیث مربوط به سایرین هم دارای مشکلات دیگری است. میتوان نتیجه گرفت که تنها کلام خدا در قرآن، پیام خداست؛ نه حدیث و سنت که بیشتر برداشت و سلیقه سلسله راویان حدیث است. اگر حدیثی که از ابن مسعود نقل شده است، اطاعت شود، به معنای پیروی از ابن مسعود است، نه اطاعت از خدا و رسول خدا.

متأسفانه فرهنگ دوران اوایل اسلام چندان مورد بحث و نقد قرار نگرفته است؛ به همین خاطر، مردم امروزه، آن نسل را سلف صالح می نامند و به همین دلیل از گفته ها و روایات آنان پیروی می کنند. کسی هم که از آن گفته ها و روایات پیروی کند را سلفی می نامند. زیرا آنان فکر می کنند که گذشتگان هدایت یافته تر بوده اند. جالب اینجاست که بیشتر مستکبرین و منحرفین تاریخ، پیروی از آباء و اجداد را بهانه اعمال خویش قرار داده اند. پیروی از احادیث، به بهانه تبعیت از سلف صالح، به معنای پیروی از نسل گذشته است و نه چیز دیگری.

[۲:۱۷۰] وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ

[۲:۱۷۰] هنگامی که به آنان گفته شود: "از آنچه خدا در این نازل کرده است، پیروی کنید" می گویند: "ما فقط از آنچه والدینمان انجام می دادند، پیروی می کنیم." اگر والدین آنها نفهمیدند و هدایت نشده بودند، چطور؟

معمولاً در کتابهای حدیث، بحث سند و سلسله و طریق حدیث مطرح است؛ مثلاً میگویند سبیل یا سلسله این حدیث از فلان بن فلان عن فلان است. دو کتاب مشهور حدیث (صحیح بخاری و صحیح مسلم) گاهی افرادی را در سلسله احادیث خود ذکر می کنند که از نظر یکی کذاب و دروغگوست و از دید آن یکی راستگو و امین! خدای قادر مهربان چقدر زیبا در آیه زیر گفته است که از راه راست من پیروی کنید و از این سبیل و آن سبیل پیروی نکنید (ولا تتبعوا السبل). خدا یک راه مستقیم دارد و آن هم قرآن است.

[۶:۱۵۳] وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

[۶:۱۵۳] این است راه من - راهی مستقیم. از آن پیروی کنید و از راه های دیگر پیروی نکنید، تا مبادا شما را از راه او منحرف سازند. اینها فرمان های اوست بر شما، باشد که نجات یابید.

حدیث دقیقا همان کمین شیطان است که در کمین است تا مردم را گمراه کند.

[۷:۱۶] قَالَ فِيمَا أُغْوَيْتَنِي لَأُقْعِدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ

[۷:۱۶] او گفت: "از آنجایی که تو خواستی گمراه شوم، من در راه مستقیم تو در کمین آنها خواهم نشست.

۶- پیامد و نتایج پیروی از حدیث و سنت

پیامد و نتایج پیروی از حدیث و سنت، انحراف از دین خداست. وقتی که حدیث و سنت را جزوی از وحی الهی بدانیم، بالاخره روزی همان جملات، گریبانگیر ما خواهند شد. بعضی جملات ساده که زمانی خیلی ساده و بی اهمیت بوده اند، در آینده آنچنان اهمیت پیدا خواهند کرد که براحتی زندگی و فرهنگ یک جامعه را تحت تاثیر قرار خواهند داد. مرده ها بعد از مرگ، عزیز خواهند شد و جملات منسوب به آنان، براحتی جای خود را بین مردم باز خواهد کرد.

به طور مثال در کتابهای حدیث حکم به کشتن کسی که از مذهب بر گردد، داده شده است. یا اینکه کسی که نماز را ترک کند، باید کشته شود. یا اینکه اگر کسی برای بار چهارم مشروب بنوشد، باید اعدام شود و هزاران حدیث دیگر.

شاید عده ای بگویند که چنین احادیثی مورد قبول نیست. اما باید بدانیم که وقتی ما نوشته های یک کتاب را به خدا و یا رسول خدا نسبت می دهیم، زمانی در آینده خواهد رسید که عده ای به صورت تعبدی، آن دستورات را اجرا خواهند کرد. دقیقا همان کاری که گروه داعش و امثالهم می کنند. داعش زائیده تفکرات موجود در حدیث و سنت است. بعضی مواقع روشن ساختن بعضی مسائل، بسیار مشکلتر از آنچیزی است که ما فکر می کنیم؛ در حال حاضر یک سری کتابهای حدیث وجود دارند و هرکس، آنچیزی را که به نظرش درست است، برمی گزیند. هرکس آنچیزی را که با منافع سازگاری دارد، برمی گزیند؛ به همین سادگی!

[۱۶:۱۱۶] وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتُكُمُ الْكَذِبَ هَذَا حَلَلٌ وَهَذَا حَرَامٌ لِّتَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يَفْلِحُونَ

[۱۶:۱۱۶] به زبان خود دروغ نگویید: "این حلال است و آن حرام،" که در این صورت دروغ ساخته اید و آن را به خدا نسبت داده اید. مطمئناً، آنان که دروغ می سازند و آنها را به خدا نسبت می دهند، هرگز موفق نخواهند شد.

زمانی عده ای جملاتی بی اهمیت از شایعات زمان خویش در کتابهایی جمع آوری کرده اند. اما این جملات بی اهمیت، در ظاهر؛ از آنجا که به رسول خدا نسبت داده شده اند و در نتیجه وحی دانسته میشود، تله ای میشود برای مردمان آینده. احادیثی که مبنای فکری گروههایی امثال داعش قرار می گیرد، زمانی بی اهمیت و عادی بوده اند، ولی بالاخره هر حدیثی، هرچند بی اهمیت، زمانی مشتری خودش را خواهد یافت.

هر کس نخواهد دستورات وحی منزل خدا، در قرآن را باور کند، جذب حدیث خواهد شد. حدیث هم دریایی است از ایده ها و نظرات، که هر آنچه بخواهی در آن هست.

[۶۸:۳۸] إِنْ لَكُمْ فِيهِ لَمَّا تَخَيَّرُونَ

[۶۸:۳۸] آیا در آن، هرچه می خواهید، می یابید؟

اگر تمام اقیانوسها جوهر شوند و تمام درختها مداد شوند، حرفهای پروردگار تمام نخواهد شد. اگر خدا می خواست احکام و قوانین بیشتری نازل کند، چندین صفحه دیگر به قرآن اضافه می کرد. خدا قوانینش را مکتوب نازل می کند و آن را به گفت فلان از فلان وا نمی گذارد.

خدای مهربان و حکیم مجازات مردان و زنان زناکار را، به شرط مشاهده توسط چهار شاهد، صد ضربه شلاق نمادین اعلام داشته است. اما عده ای آمدند و گفتند که اگر زناکار متاهل باشد، چکار کنیم؟! به همین سادگی حکم سنگسار زناکار اختراع شد. آیا خدایی که قرآن را نازل نموده است، نمی توانست مجازات زناکار را بجای یک جمله در دو جمله بیان کند و متاهل و مجرد بودن آن را تفکیک کند. عده ای برای توجیه احادیث سنگسار، گفتند که حدیث توضیح دهنده و کامل کننده قرآن است!

پیامبر محمد نه توضیح می دهد، نه تفسیر می کند و نه قرآن را پیش بینی می کند. فقط قرآن را تحویل می دهد و پیروی می کند. اما اکثر مسلمانان امروزی ادعا می کنند که حدیث و سنت برای توضیح دادن قرآن لازم هستند. هر چند قرآن یاد می دهد که خدا معلم قرآن است؛ اوست کسی که قرآن را در دل مؤمنان قرار می دهد صرف نظر از زبان مادریشان. پیامبر محمد قرآن را توضیح نمی داد. آیه های پایین را مشاهده کنید:

[۴۱:۴۴] وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْءَانًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ أَعْجَمِيٌّ وَعَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَشِفَاءٌ وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَٰئِكَ يُنَادُونَ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ

[۴۱:۴۴] اگر قرآن را به زبانی غیر از عربی قرار می دادیم می گفتند، "چرا به آن زبان نازل شد" چه آن به زبان عربی باشد یا غیر عربی، بگو، "برای کسانی که باور دارند، هدایت و شفا است. و کسانی که باور ندارند، نسبت به آن کر و کور خواهند بود، چنانچه گویی از جای بسیار دوری آنها را خطاب می کنند.

[۷۵:۱۶] لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ

[۷۵:۱۶] با شتاب زبان (محمد) به بیان آن مگشای.

[۷۵:۱۷] إِنْ عَلَيْنَا جَمْعُهُ وَقُرْآنُهُ

[۷۵:۱۷] این ما هستیم که آن را بصورت قرآن جمع آوری خواهیم کرد.

[۷۵:۱۸] فَإِذَا قَرَأَهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ

[۷۵:۱۸] و چون آن را بخوانیم، تو از چنین قرآنی پیروی کن.

[۷۵:۱۹] ثُمَّ إِنْ عَلَيْنَا بَيَانَهُ

[۷۵:۱۹] سپس این ما هستیم که آن را شرح خواهیم داد.

خدا در آیه ۷۵:۱۹ فرموده است : (ان علینا بیان) یعنی بیان آن برعهده ماست و دیگر بیش از این چه میتوان گفت به کسانی که میگویند حدیث برای تفسیر قرآن لازم است. قرآن خود مفسر خود است. خدای مهربان توضیح کتابش را بر عهده شایعات نمی گذارد.

۷- حدیث و سنت در قرآن به چه معناست؟

کسانی که مدافع حدیث و سنت هستند، حداقل برای یکبار هم که شده است باید در معنای حدیث و سنت در قرآن تحقیق کنند. خدای مهربان و حکیم، در هیچکدام از آیات قرآن، حدیث را به معنای روایات بکار نبرده است، بجز مواردی که از احادیث شیطانی صحبت نموده است.

کدام حدیث؟

[۴۵:۶] تِلْكَ آيَةُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ قَبَائِي حَدِيثٍ بَعْدَ اللَّهِ وَآيَتِهِ يُؤْمِنُونَ

[۴۵:۶] اینها آیات خداست که ما به حقیقت بر تو می خوانیم. به کدام حدیث به غیر از خدا و آیاتش ایمان دارند؟

[۴۵:۷] **وَيَلِّ كُلُّ آفَاكِ أَثِيمٍ**
[۴۵:۷] وای بر هر دروغ پرداز گناهکار.

همانطور که می بینید، خدا صراحتاً در قرآن، هر حدیثی بجز قرآن را منع نموده است. کلمه سنت در هیچکدام از آیات قرآن به معنای سنت پیامبر ذکر نشده است. در تمام قرآن، فقط از سنت خدا صحبت شده است. این نکته بسیار مهم است؛ شاید همین یک دلیل برای بطلان حدیث و سنت کافی باشد. در یک کتاب ۶۰۰ صفحه ای که از طرف خدا نازل شده است، حتی یک بار نگفته است "حدیث و سنت محمد".

[۳۳:۶۲] **سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا**
[۳۳:۶۲] این روش همیشگی خداست و تو خواهی فهمید که روش خدا تغییرناپذیر است.

مؤمنان واقعی به گفته پروردگارشان ایمان دارند مبنی بر اینکه قرآن کامل، بی عیب و مفصل با جزئیات است و باید فقط آن را منشاء هدایت دینی قرار دهند. پیروی از "حدیث و سنت" ساختن بت از پیامبر محمد است برخلاف خواسته اش. در کل قرآن گفته شده است: (اطاعت از رسول) نه (اطاعت از محمد). این یعنی اطاعت از پیامبر محمد از جنبه رسالتش درست است نه از جوانب دیگر. جنبه رسالت پیامبر محمد هم، همان کتاب آسمانی قرآن است. سایر موارد مربوط به زندگی شخصی اوست و اطاعت از او به عنوان مصدر هدایت، یک نوع بت پرستی است. البته اگر چنین حرفی را به فردی که خود را "مسلمان" می خواند، بزنی مثل این است که به یک مسیحی بگویند مسیح پسر خدا نیست. اطاعت از پیامبر محمد یعنی اطاعت از محمدی که توی قرآن است نه احادیث که کلاً دروغ و نابجاست؛ این یعنی اطاعت از همان قرآن.

۸- به پیامبر محمد، فقط قرآن نازل شد.

[۵:۴۸] **وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ**

[۵:۴۸] سپس ما این کتاب آسمانی را به حقیقت بر تو نازل کردیم، که کتاب های آسمانی پیشین را تصدیق می کند و جایگزین آنهاست. تو در میان آنها بر طبق آیات خدا حکم کن و از خواسته هایشان چنانچه برخلاف حقیقتی است که بر تو آمده است، پیروی نکن. ما برای هر یک از شما قوانینی مقرر کرده ایم و آداب و رسوم متفاوت. اگر خدا می خواست، می توانست شما را یک امت واحد قرار دهد، ولی او این چنین از طریق آیاتی که به هر یک از شما داده است، شما را امتحان می کند. باید در پرهیزکاری رقابت کنید. سرنوشت نهایی شما - همگی شما - به سوی خداست. سپس، او شما را از آنچه اختلاف کرده بودید، آگاه خواهد کرد.

[۵:۴۹] وَأَنْ أَحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ وَإِنْ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ [۵:۴۹] تو بر طبق آنچه خدا بر تو نازل کرده است، میانشان حکم کن. از خواسته هایشان پیروی نکن و مواظب باش تا مبادا تو را از برخی از آیات خدا منحرف سازند. اگر روی گردانند، پس بدان که خدا می خواهد آنان را به سزای بعضی از گناهانشان مجازات کند. مسلماً، بسیاری از مردم ستمکار هستند.

[۵:۵۰] أَفَحُكْمَ الْجَهْلِيَّةِ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ [۵:۵۰] آیا آنها می خواهند از قانون زمان جاهلیت پیروی کنند؟ برای کسانی که به یقین رسیده اند، قانون چه کسی بهتر از قانون خداست؟

خدای متعال فقط قرآن را به پیامبر اسلام نازل کرد و به او وحی نمود که بر طبق آیات خدا، در قرآن در بین مردم حکم کند. پیامبر اسلام کتاب دیگری که در آن احادیث و سنت وی بیان شده باشند از خود بجای نگذاشت. کتابهای حدیث موجود بعد از مرگ پیامبر، توسط افراد دیگری جمع آوری شد و ربطی به پیامبر محمد ندارد.

۹- پیامبر محمد از صدور هرگونه دستورالعمل دینی بغیر از قرآن منع شده بود

[۶۹:۴۰] إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ [۶۹:۴۰] این سخن رسولی است محترم.

[۶۹:۴۱] وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَا تُؤْمِنُونَ [۶۹:۴۱] نه سخن یک شاعر؛ شما به ندرت باور می کنید.

[۶۹:۴۲] وَلَا يَقُولِ كَاهِنٌ قَلِيلًا مَا تَدَّكَّرُونَ

[۶۹:۴۲] و نه سخن یک پیشگوست؛ شما به ندرت توجه می کنید.

[۶۹:۴۳] تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَلَمِينَ

[۶۹:۴۳] تنزیلی از جانب پروردگار جهان.

[۶۹:۴۴] وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ

[۶۹:۴۴] اگر او از هر تعلیمات دیگری سخن گفته بود.

[۶۹:۴۵] لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ

[۶۹:۴۵] ما او را تنبیه کرده بودیم.

[۶۹:۴۶] ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ

[۶۹:۴۶] ما آیات را بر او متوقف می نمودیم.

[۶۹:۴۷] فَمَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ

[۶۹:۴۷] هیچ یک از شما نمی توانست او را یاری دهد.

این آیات بروشنی بیان می کند که پیامبر محمد از آوردن هر گونه دستورالعمل دینی بغیر از قرآن منع شده بود. تنها وظیفه او ابلاغ قرآن بود، تمام قرآن، و نه چیزی بغیر از قرآن.

۱۰- به پیامبر محمد امر شده بود که هر گز از قرآن منحرف نشود.

[۱۷:۷۳] وَإِنْ كَادُوا لَيَفْتِنُونَكَ عَنْ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ لَتُفْتَرِيَ عَلَيْنَا غَيْرَهُ وَإِذَا لَا تَخَذُوكَ خَلِيلًا

[۱۷:۷۳] آنها نزدیک بود تو را از آنچه بر تو وحی کرده ایم، منحرف کنند. آنها می خواستند که تو چیزهای دیگری از خود بسازی تا تو را دوست خود بدانند.

[۱۷:۷۴] وَلَوْ لَا أَنْ تَبْتَنِكَ لَقَدْ كِدْتَ تَرْكُنُ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا

[۱۷:۷۴] اگر ما تو را محکم و استوار نکرده بودیم، نزدیک بود کمی به سوی آنها گرایش پیدا کنی.

[۱۷:۷۵] إِذَا لَأَذُنُكَ ضِعْفَ الْحَيَوَةِ وَضِعْفَ الْمَمَاتِ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ عَلَيْنَا نَصِيرًا

[۱۷:۷۵] اگر چنین می کردی، در این دنیا و نیز پس از مرگ، ما تو را دوبرابر مجازات می کردیم و تو در برابر ما هیچ یآوری برای خود نمی یافتی.

همانطوری که در آیات فوق ملاحظه می شود مشرکین از پیامبر اسلام می خواستند که چیز دیگری (علاوه بر قرآن) از خود بسازد (حدیث). اگر پیامبر اسلام چنین می کرد دچار مجازات شدید الهی می شد. درست به همین علت بود که پیامبر هر نوشته ای را از او بغیر از قرآن ممنوع کرده بود.

۱۱- به پیامبر محمد امر شده بود که فقط قرآن را ابلاغ کند بدون هیچگونه تغییری در آن و هرگز چیز دیگری از خود نسازد

[۱۰:۱۵] وَإِذَا تُلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا ائْتِ بِقُرْآنٍ غَيْرِ هَذَا أَوْ بَدِّلْهُ قُلْ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَبَدِّلَهُ مِنْ تِلْقَائِ نَفْسِي إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابٌ عَظِيمٌ [۱۰:۱۵] هنگامی که آیات ما برای آنها خوانده می شود، آنان که انتظار ملاقات ما را ندارند، می گویند: "قرآنی غیر از این بیاور، یا آن را تغییر بده!" بگو: "امکان ندارد بتوانم آن را از جانب خود تغییر دهم. من فقط از آنچه که بر من وحی شده است، پیروی می کنم. اگر من از پروردگارم نافرمانی کنم، از مجازات روزی هبت انگیز می ترسم."

[۱۰:۱۶] قُلْ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا تَلَوْتُهُ عَلَيْكُمْ وَلَا أَدْرَاكُمْ بِهِ فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ عُمُرًا مِنْ قَبْلِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ [۱۰:۱۶] بگو: "اگر خدا می خواست، من آن را برای شما نخوانده بودم و شما چیزی درباره آن نمی دانستید. من پیش از این، عمری در میان شما زندگی کرده ام (و شما مرا به عنوان شخصی عاقل و راستگو شناخته اید). آیا نمی فهمید؟"

[۱۰:۱۷] فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْمُجْرِمُونَ [۱۰:۱۷] کیست پلیدتر از آن که درباره خدا دروغ بسازد، یا آیاتش را تکذیب کند. مسلماً، ستمکاران هرگز موفق نمی شوند.

در آیه ۱۵:۱۰ خدای متعال به پیامبر اسلام می فرماید که بگو من فقط از آنچه بمن وحی شده است (قرآن) پیروی می کنم و حق هیچگونه تغییری در آیات قرآن را ندارم. در آیه ۱۷:۱۰ خدای متعال آنانی که دروغ می سازند (حدیث) و آنرا بخدا نسبت می دهند را ظالم می شمارد.

۱۲- پذیرش هر منبع دیگری برای هدایت دینی بغیر از قرآن شرک محسوب می شود

[۱۹:۶] قُلْ أَيْ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَدَةً قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ أَئِنَّكُمْ لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ اللَّهِ إِلَهَةً أُخْرَى قُلْ لَا أَشْهَدُ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَإِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ [۱۹:۶] بگو: "شهادت چه کسی بالاترین است؟" بگو: "شهادت خدا. او میان من و شما شاهد است که این قرآن به من وحی شده است، تا آن را به شما و به هر کس که به آن دست یابد، ابلاغ کنم. درواقع، شما در کنار خدا به خدایان دیگر هم شهادت می دهید." بگو: "من مانند شما تشهد نمی گویم؛ فقط یک خدا وجود دارد و من شرک شما را رد می کنم."

بنابراین فقط قرآن (نه حدیث و سنت) به پیامبر اسلام وحی شد. در این آیه بوضوح شرح داده شده است که آنانی که از منابع دیگری بغیر از قرآن برای هدایت دینی استفاده می کنند در واقع به خدایان دیگری بجز خدای یکتا شهادت می دهند. با وجود قرآن، ما به منبع دیگری برای هدایت دینی نیاز نداریم. قرآن حاوی هدایت و حکمت است. در سوره ۱۷ آیات ۲۲ الی ۳۸ بعضی از مهمترین فرامین خدا در قرآن بیان شده است. سپس در آیه ۳۹:۱۷ اعلام می گردد که این آیات بخشی از حکمتی است که خدای متعال بر پیامبرش وحی فرموده است:

[۳۹:۱۷] ذَلِكَ مِمَّا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا ءَاخَرَ فَتُلْقَىٰ فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَّدْحُورًا

[۳۹:۱۷] این بخشی از حکمتی است که پروردگارت بر تو وحی کرده است. خدای دیگری در کنار خدا قرار نده، مبادا که عاقبت به جهنم افتی، نکوهیده و شکست خورده.

در آخر آیه فوق آمده است که خدای دیگری در کنار خدا قرار نده. یعنی اینکه اگر ما به منابع دیگری بغیر از قرآن، مانند حدیث و سنت، برای اخذ حکمت رجوع کنیم مانند آن است که در کنار خدا به خدایان دیگری قائل باشیم. این ثابت می کند که حکمت در همان قرآن است و منظور خدا از حکمت، حدیث و سنت نیست؛ به همین خاطر خدای متعال می فرماید قرآن حکیم.

[۳۶:۲] وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ
[۳۶:۲] و قرآن که سرشار از حکمت است.

۱۳- قرآن کتابی کامل، بی عیب، و مفصل است و نیازی به حدیث و سنت نیست

خدای متعال در آیات مختلفی در قرآن می فرماید که قرآن کتاب کامل، بی عیب، و مفصلی است:

[۶:۳۸] وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَالُكُمْ مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ

[۶:۳۸] تمام مخلوقات روی زمین و تمام پرندگانی که با بال های خود پرواز می کنند، جماعت هایی مانند شما هستند. ما در این کتاب از بیان هیچ نکته ای، دریغ نکرده ایم. تمام این مخلوقات، نزد پروردگارشان احضار خواهند شد.

[۶:۳۹] وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا صُمٌّ وَبُكْمٌ فِي الظُّلُمَاتِ مَنْ يَشَأِ اللَّهُ يُضِلِّهِ وَمَنْ يَشَأِ يُجْعَلْهُ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

[۶:۳۹] کسانی که مدرک های ما را رد می کنند، کر و گنگ هستند و در تاریکی مطلق به سر می برند. خدا هر که را بخواهد، به بیراهه می فرستد و هر که را بخواهد، در راه مستقیم قرار می دهد.

در آیه ۶:۳۸ خدای متعال می فرماید که در قرآن مجید از بیان هیچ نکته ای دریغ نشده است. بنا براین قرآن کتابی کامل است و نیازی به حدیث و سنت برای هدایت نیست. بر طبق آیه ۶:۳۹ خدای متعال، آنانی که معتقدند قرآن ناقص است و فقط بخشی از دین را می توان در آن پیدا نمود و بخش دیگر دین را در حدیث و سنت و منابع دیگر می جویند و بنابراین مدرک های خدا را رد می کنند؛ کر و گنگ و در تاریکی مطلق یاد می کند. ای مردم چرا کلام پروردگار خود را باور نکنیم که قرآن کتابی کامل، بی عیب، و مفصل است؟

[۶:۱۱۴] أَفَعَيِّرَ اللَّهُ أِبْتَغَىٰ حَكَمًا وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا وَالَّذِينَ آتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ

[۶:۱۱۴] آیا غیر از قانون خدا به منبع دیگری رجوع کنم، در حالی که او این کتاب را با تمام جزئیات* برای شما نازل کرده است؟ کسانی که کتاب آسمانی دریافت کردند، تشخیص می دهند که این از جانب پروردگارت با حقیقت نازل شده است. هیچ شکی به خود راه نده.

[۶:۱۱۵] وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ
[۶:۱۱۵] کلام پروردگارت در صداقت و عدالت، کامل است.* هیچ چیز کلمات او را لغو نمی کند. اوست شنوا، دانای مطلق.

آیات قرآن بروشنی بیان می کنند که با وجود کتاب کاملی مانند قرآن، ما به منبع دیگری برای هدایت نیاز نداریم. اعتقاد به حدیث و سنت با وجود آنهمه تناقضات و مهملاتی که در آنها وجود دارد ما را از راه راست بدور می کند. خدای متعال می فرماید که انواع مثالها در این قرآن برای مردم بیان شده است، ولی متأسفانه بیشتر مردم نمی خواهند باور کنند و خود را نیازمند حدیث و سنت می بینند.

[۱۷:۸۹] وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا
[۱۷:۸۹] و در این قرآن انواع مثال ها را برای مردم بیان کرده ایم، ولی بیشتر مردم در ناباوری اصرار می ورزند.

۱۴- پیروان حدیث و سنت حتی از آموخته های خود نیز پیروی نمی کنند

یکی از معروفترین کتابهای حدیث، صحیح مسلم است. در این کتاب از پیامبر اسلام نقل شده است که وی فرمان داد که هیچکس بغیر از قرآن از او چیز دیگری ننویسد:

عن ابی سعید الخدری رضی الله عنه قال: قال رسول الله صل الله علیه و سلم: "لا تکتبوا عنی شیئا سوی القرآن. من کتب شیئا سوی القرآن فلیمحہ".

(احمد ج ۱ ص ۱۷۱ و مسلم)

ابی سعید الخدری - خدا از او راضی باشد - گفت که رسول خدا - خدا او را بزرگ دارد و به او صلح عنایت کند - گفته بود "هیچ چیز بغیر از قرآن از من ننویسید. هرکسی که چیزی بغیر از قرآن نوشته است، آنرا پاک نماید."

بنابراین پیروان حدیث و سنت بنا بر منابع خود از فرمایش پیامبر اسلام تخطی نموده اند.

۱۵- نتیجه عدول از فرمان خدا

خدای متعال در آیات متعددی، قرآن را کامل، بی عیب، مفصل و تنها منبع دستورات الهی می شمارد. همچنین پیروی از منابع دیگر (مانند حدیث و سنت) بوضوح منع می کند. انسانها مختار و آزادند که به فرامین خدا ارج نهند و ایمان آورند و یا آیات خدا را رد کنند. اما مردم باید بدانند که نتیجه عدم ایمان به آیات قرآن و عدول از فرامین الهی چیست:

[۷:۴۰] إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ

[۷:۴۰] مسلماً، کسانی که آیات ما را انکار می کنند و متکبرتر از آنند که آن را بپذیرند، دروازه های آسمان هرگز به رویشان گشوده نخواهد شد و هرگز به بهشت راه نخواهند یافت، مگر آنکه شتر از سوراخ سوزن عبور کند. ما گنهکاران را این چنین مجازات می کنیم.

بنابراین محال است آنانی که به فرامین خدا ایمان ندارند داخل بهشت شوند. وقتی خدا می فرماید: قرآن کامل، بی عیب و مفصل است، باید به حرف خدا اعتماد شود؛ عدم اعتماد به کلام خدا، یعنی عدم ایمان به خدا.

۱۶- انسانها به معجزه نیاز دارند تا هدایت شوند.

خدا ما را طوری آفریده است که برای هدایت، به معجزه نیاز داریم. در زمان پیامبران پیشین، معجزاتی از جنس زمان خویش برای مردم آورده می شد و باعث پیروزی و هدایت آنان می شد. قرآن کتابی است

که از ابعاد مختلف معجزه است، پیش بینی های آن، مطالب آن، طرز بیان آن، ادبیات آن و در زمان حاضر روابط ریاضی مربوط به حروف مقطعه.

در این هزار و چهارصد سال، در هر دوره ای، یک بعد از ابعاد معجزات قرآن، خودش را نشان داده است. قرآن کتابی است که برای هدایت بشر نازل شده است و تا قیامت همین یک کتاب است و دیگر کتاب دیگری نازل نخواهد شد. اما حدیث و سنت کلام راویان حدیث است و از شایعات دوران اموی و عباسی گردآوری شده است. بنابراین وحی نیست و در نتیجه معجزه نیست. آدمیان براساس فطرت خویش، فقط با کلام معجزه هدایت می یابند. مهمترین تغییرات مثبت در جهان، بوسیله کلام خدا صورت پذیرفته است. کلام بشر، نمی تواند چنین تاثیر گذار باشد.

مهمترین نتیجه حدیث، فرقه فرقه شدن مسلمانان است. هر فرقه ای حرفهای خودش را می زند و بسیار مشکل است که آنان را متوجه اشتباه خود کرد. مذاهب، دلیل اصلی تمام جنگهای تاریخ بوده است. هم اکنون (سال ۲۰۱۴ میلادی) که خاورمیانه بهم ریخته است، دلیل اصلی آن، فرقه های مذهبی و کتابهای حدیث و سنت است. شاید بعضی ها بگویند که گروههایی مثل داعش، بازی قدرتهای بزرگ است. اما این گفته واقعی نیست؛ گروههای اینچنینی پشتوانه حدیثی دارند و آنان برای برقرار نمودن عقاید خویش تلاش می کنند. شاید قدرتهایی بخاطر مسائل سیاسی، در سازماندهی آنان دخالت کرده باشند، اما اصل نطفه از حدیث و سنت بوجود آمده است. گاهی بعضی گروهها، شیرازه های فکری خویش را از احادیثی اخذ می کنند، بطوریکه حتی در قرآن به آن مطالب اشاره هم نشده است. این است گمراهی آشکار!

معیار آیات الهی حفاظت کامل آن است. چون حدیث و سنت پیامبر زیاد تحریف شده اند، هرگز نمی تواند معیار آیات الهی شود. این یک واقعیت تصدیق شده و ثابت شده است که اکثر حدیث ها دروغ هایی ساختگی هستند.

[۱۵:۹] إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَفِظُونَ

[۱۵:۹] ما پیام را نازل کردیم و قطعاً، ما آن را حفظ خواهیم کرد.

[۴۱:۴۲] لَا يَأْتِيهِ الْبَطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ

[۴۱:۴۲] هیچ باطلی در گذشته یا در آینده نمی تواند به آن راه یابد؛* تنزیلی است از جانب حکیم

ترین، قابل ستایش.

خالق مطلق فرمان می دهد که قرآن، اختصاصاً قرآن، باید تنها منشاء تعلیمات دینی باشد. علاوه بر آن، به ما فرمان داده می شود که پذیرفتن هر منشاء دیگری برای هدایت دینی مساوی این است که خدای دیگری در کنار خدای تنها بگذاریم و منشا تمام بت پرستیها و بدبختیها هم همین است. خدای مهربان و حکیم بر ساده بودن و قابل فهم بودن قرآن تاکید دارد. تعداد کسانی که تمام کتب حدیث را بطور کامل خوانده اند، بسیار کمند. زیرا کتب حدیث برای هرکسی قابل فهم نیستند و هر کسی نمی تواند

مطالب آن را هضم کند. به همین خاطر، مطالب کتب حدیث، از فیلتر حدیث شناسان به مردم می رسد. کتب حدیث در دسترس همگان نیست اما کلام خدا (قرآن) بدون تغییر، در دسترس همه است. کتاب خدا آنقدر ساده است که هرکسی با خواندن آن، مطالب آن را می فهمد. خدا قرآن را ساده کرده است؛ مطمئناً کسی به اندازه خدا نمی تواند یک کتاب را ساده خلق کند.

[۵۴:۱۷] وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ

[۵۴:۱۷] ما قرآن را برای یادگیری آسان کردیم. آیا هیچ یک از شما می خواهد یاد بگیرد؟

۱۷- پیروی از پیامبر محمد و اسوه بودن او

خدای مهربان در آیات متعدد قرآن، مردم را متوجه می کند که وظیفه رسول، فقط ابلاغ و رساندن پیام است (ما علی الرسول الا البلاغ المبین).

[۴۲:۴۸] فَإِنْ أَعْرَضُوا فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا إِنْ عَلَيْكَ إِلَّا الْبَلَاغُ وَإِنَّا إِذَا أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً فَحَرَحَ بِهَا وَإِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَإِنَّ الْإِنْسَانَ كَفُورٌ

[۴۲:۴۸] اگر آنها روی برگردانند، ما تو را برای حفاظت آنها نفرستادیم. تنها ماموریت تو رساندن پیام است. هرگاه انسان ها را غرق رحمت کنیم، افتخار می کنند و هرگاه در نتیجه کارهای خودشان به بدبختی گرفتار شوند، کافر می شوند.

عده ای میگویند که سنت و احادیث پیامبر محمد جزو منابع الهی است زیرا خدا خودش گفته است که رسول برای مومنان اسوه حسنه است!

[۳۳:۲۱] لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا

[۳۳:۲۱] رسول خدا مثال خوبی است برای آن عده از شما که در جستجوی خدا و روز آخر هستند و مدام به خدا فکر می کنند.

آیه بالایی می فرماید که پیامبر محمد برای کسانی که در جستجوی خدا و روز بازپسین هستند و کسانی که خدا را یاد میکنند الگو است. ما می دانیم که این قرآن ذکر است برای مومنان و این قرآن بهترین و تنها منشا برای جستجو و شناخت خداست. جهت فهمیدن این نکته که پیامبر محمد چطور

الگوست، باید بدانیم که اسوه بودن برای پیامبر ابراهیم نیز، لغت به لغت با چنین کلماتی در قرآن شرح داده شده است.

[۶۰:۴] قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَءُؤَا مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ

[۶۰:۴] ابراهیم و همراهانش برای شما سرمشق خوبی هستند. آنها به قومشان گفتند: "ما شما و بت هایی را که در کنار خدا می پرستید، طرد می کنیم. ما شما را علنا محکوم می نماییم و تا زمانی که تنها به خدا ایمان نیاورید، از ما جز تنفر و عداوت چیزی نخواهید دید." اگرچه، ابراهیم اشتباه کرد هنگامی که به پدرش گفت: "من برای بخشش تو دعا خواهم کرد، ولی من هیچ قدرتی برای محافظت تو در مقابل خدا ندارم." "پروردگار ما، ما به تو توکل می کنیم و تسلیم تو هستیم؛ سرنوشت نهایی به سوی توست.

[۶۰:۶] لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَمَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ

[۶۰:۶] آنها مثال خوبی هستند برای کسانی که در جستجوی خدا و روز آخرند. و اما کسانی که روی برمی گردانند، خدا نیازی به (آنها) ندارد، اوست ستوده ترین.

در آیه بالا، خدا خودش میفرماید که ابراهیم برای ما اسوه حسنه است ولی خدا میدانست که ابراهیم چند هزار سال پیش زندگی میکرد و کتاب حدیثی از او بجای نمانده است. پس ما از چه چیز ابراهیم پیروی کنیم تا الگوی ما شود؟ جواب این است که ابراهیم همانی است که خدا در قرآن ذکر کرده است. حقیقت اسوه بودن ابراهیم و یا محمد یعنی پیروی از گفته های قرآن و یکتاپرست بودن مثل آنان (زیرا قرآن است که سرگذشت درست و بدون انحراف آنها را ذکر کرده است).

مؤمنان حقیقی میدانند که وقتی خدا چیزی میگوید منظوری دارد و چیزی که نمیگوید هم به منظوری است. کسانی که به خدا و روز قیامت ایمان دارند و عمل صالح انجام می دهند و قبول دارند که قرآن کتابی کامل و بدون نقص است و شامل تمام جزئیات دین است، براه راست هدایت شده اند. در سوره بقره داستانی از بنی اسرائیل ذکر شده است که مردم آن زمان یک دستور ساده خدا را بر خود مشکل می سازند. خدا یک دستور ساده به آنها می دهد که یک گاو را ذبح کنید و بر مرده بزنید تا مرده قاتلش را بشناساند. اما آنان به بهانه واضح نبودن دستور، از موسی جزئیات بیشتری می خواهند و کار را بر خود مشکل می کنند. اگر آنان هر گاوی را ذبح می کردند، جواب را می گرفتند. آنان با چند سکه می توانستند یک گاو را بخرند و نتیجه لازم را بدست آورند ولی با اصرار خویش، مجبور شدند چند برابر سکه، بابت گاو پرداخت کنند. دستورات خدا در قرآن هم همینطوری است. اگر دستورات خدا بدون

حدیث و سنت اجرا شوند، خیلی راحت به نتیجه مطلوب خواهد رسید و اما اگر حدیث و سنت در قرآن دخالت داده شوند، برای مسلمانان هزینه بردار است.

چرا هیچ یک از پیامبران پیشین نگفتند که از سنت ما پیروی کنید، بلکه همه کتابهای آسمانیشان را توصیه کردند. خدای مهربان میفرماید که پیامبر محمد هم کسی است مثل پیامبر موسی و پیامبر عیسی و پیامبر ادریس. پس اگر آنان سنت نداشته اند چرا پیامبر محمد باید سنت داشته باشد؟

۱۸- فرقه فرقه شدن مسلمانان

برای اینکه واقعا متوجه شد که فرقه های مسلمان، چه اندازه از همدیگر دورند، کافی است در اینترنت در یکی از موتورهای جستجو (مثلا گوگل) در قسمت تصاویر، این عبارات را جستجو کنید (یکبار Muslim Sunni و یکبار Muslim Shia).

اگر نتایج را نگاه کنید، متوجه خواهید شد که دو فرقه بزرگ مسلمان چطوری خود را به جهانیان شناسانده اند و چطوری اسلام را معرفی کرده اند؟ در واقع با وجود حدیث و سنت، متحد شدن مسلمانان یک توهم بیش نیست. اگر از یک مسلمان سنی و یا شیعه در مورد دین بپرسید، او در جواب گزینه های فرقه ای را تحویل خواهد داد، در صورتی که او خودش منابع اصلی حدیث را تابحال ندیده است. در نتیجه ناخود آگاه پیرو رهبران مذهبی خواهد شد. رهبران مذهبی بطور تخصصی در جر و بحثهای فرقه ای غرق شده اند و برای هر چیزی یک جوابی دارند. در نتیجه بازار فرقه های مذهبی روز بروز گرمتر می شود و قرآن همچنان مهجور باقی می ماند. از آنجا که قرآن، تعصبات فرقه ای و فرقه گرایی را اکیدا منع نموده است؛ پس بنابراین کتابهایی که فرقه گرایی را گسترش دهند، باعث مهجور ماندن قرآن میشوند و از نظر قرآن، چنین کتابهایی باطل و گمراه کننده هستند.

[۲۵:۳۰] وَقَالَ الرَّسُولُ يَرْبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا
[۲۵:۳۰] رسول گفت: "پروردگار من، قوم من این قرآن را ترک کرده اند."

در اکثر خانه های مسلمانان، کتاب قرآن یافت میشود؛ اما کتب اصلی حدیث یافت نمیشود! زیرا ایده های داخل کتب حدیث مملو از تناقض است و هرکسی را یارای جمع کردن و خواندن آن نیست. در کتب حدیث، موسیقی و شطرنج و خیلی از هنرهای دیگر حرام اعلام شده است؛ و این در حالی است که مردم بطور روزمره از این هنرها بهره می برند.

البته خود مسلمانان اعلان می کنند که احادیث دروغین زیاد است. واقعا وقتی خدا می فرماید که دروغ نگوئید، چرا باید احادیث زیادی که دروغ بودنش ثابت شده به پیامبر نسبت داده شود؟! آیا این به معنای از بین بردن شخصیت پیامبر محمد نیست؟ آیه ۲:۲۸۲ بزرگترین آیه قرآن است که در حدود یک

صفحه تمام جای گرفته است. این آیه بزرگ و طولانی راجع به نوشتن وصیت حرف میزند. حال شما توجه کنید، خدایی که یک آیه طولانی و مفصل راجع به نوشتن وصیت ذکر میکند؛ چطور پیامبر به آیه عمل نمیکند و ارشادات و توضیحات و سنت خود را که توضیح دهنده و روشن کننده قرآن است را ننویسد و به دو سه قرن بعد موکول میشود، تا مورد سوء استفاده گروههای مختلف قرار گیرد؟!

بعضی ها جهت توجیه پیروی از روایات می گویند که خدا خودش میفرماید : اطیعوا الله و اطیعوا الرسول. براین اساس، آنان انتظار دارند که خدا یک منبع داشته باشد و رسول هم منابعی دیگر داشته باشد. در ادامه آنان اطیعوا الله را به قرآن و اطیعوا الرسول را به حدیث و سنت نسبت می دهند. به همین خاطر زمانی که به آنان میگویید از حدیث پیروی نکنید، فوراً در جواب میگویند که مگر خدا نگفته اطیعوا الرسول! بعد در ادامه میگویند: کسی که از کتب حدیث پیروی نمیکند، رسول را منکر شده است؛ غافل از اینکه، پیروی از رسول یعنی پیروی از قرآن. کسی که از قرآن پیروی کند در واقع و بطور کامل از رسول پیروی میکند.

برای فهم بهتر، لطفاً آیه زیر را نگاه کنید:

[۳۳:۲۲] وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا

[۳۳:۲۲] هنگامی که مؤمنان واقعی گروه ها را (آماده حمله) دیدند، گفتند: "این همان است که خدا و رسولش به ما وعده داده اند و خدا و رسولش راستگو هستند." این (موقعیت خطرناک) فقط ایمان آنها را قوی تر کرد و بر میزان تسلیم بودنشان افزود.

در این آیه، وعده ای از طرف خدا و رسولش (وعدنا الله و رسوله) به مردم داده شده بود. مطمئناً آیه به این معنا نیست که خدا یک وعده داده بود و رسول هم یک وعده دیگر داده بود. واقعیت این است که کلاً یک وعده به مردم داده شده است، با این توضیح که وعده از طرف خدا بوده است و فقط از طریق رسول به ما رسیده است. بر همین منوال، زمانی که خدا میفرماید اطیعوا الله و اطیعوا الرسول؛ به این معنا نیست که قرآن مربوط به خداست و کتب حدیث و سنت هم مربوط به رسول؛ بلکه رسول دارد منبع خدا (قرآن) را به ما معرفی و ابلاغ میکند.

[۶۴:۱۲] وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا الْبَلْغُ الْمُبِينُ

[۶۴:۱۲] از خدا اطاعت کنید و از رسول اطاعت کنید. اگر شما روی بگردانید، پس تنها ماموریت رسول ما رساندن پیام است.

خدای مهربان در آیه ۶۴:۱۲ دستور به اطاعت از خود و رسول میدهد، اما در ادامه می فرماید: "تنها ماموریت رسول ما رساندن پیام است." آیا این اتفاقی است که بعد از ذکر "واطيعوا الله واطيعوا الرسول" خدا بگوید که "تنها ماموریت رسول ما رساندن پیام است"

[۴۵:۶] تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَ اللَّهِ وَآيَاتِهِ يُؤْمِنُونَ

[۴۵:۶] اینها آیات خداست که ما به حقیقت بر تو می خوانیم. به کدام حدیث به غیر از خدا و آیاتش ایمان دارند؟

جالب است، حدیثی ذکر شده است که از طرف پیامبر نقل شده است که:

أَلَا إِنِّي قَدْ أَوْتَيْتُ الْكِتَابَ وَمِثْلَهُ مَعَهُ (مسند أحمد، ج ۴، ص ۱۳۱)

ترجمه حدیث: آگاه باشید که به من کتاب (قرآن) داده شده است و مجموعه ای مثل آن (حدیث) هم همراه اوست!

حتی بعضی ها بر اساس این حدیث مدعی شده اند که نیاز قرآن به سنت بیش از نیاز سنت به قرآن است! همانطور که می بینید سازندگان این روایت می خواهند حریف خدا شوند و چیزی مثل و همراه قرآن معرفی می کنند. کتابی که جن و انس در برابرش عاجز و ناتوان هستند، توسط راویان قرن دوم و سوم، مثل آن معرفی شد! خدای مهربان جواب چنین حدیثی را در آیه زیر بیان فرموده است:

[۵۲:۳۴] فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ

[۵۲:۳۴] بگذار حدیثی مانند این ارائه دهند، اگر راست می گویند.

اگر پیامبر حدیث و سنت دارد، پس چرا حتی یکبار در قرآن، پیامبر با کلمه حدیث و یا سنت همراه نشده است؟

زیرا که خدای مهربان بسیار دقیق کلمات را بیان میکند و همه چیز را تحت کنترل خویش دارد. کلمات قرآن آنقدر دقیق است که روی حرف به حرف آن میتوان استناد کرد و به این طریق فرقانی به تمام جهانیان اعطا شده است که بوسیله آن راه راست و ناراست تشخیص داده میشود. خدای یکتا را سپاس میگوئیم که توطئه های شیطان علیه دین خدا را آشکار کرد.

[۱۶:۸۹] وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ وَتَزَلَّنَا عَلَيْكَ

الْكِتَابَ تَبْيِينًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهَدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ

[۱۶:۸۹] آن روز خواهد آمد که از میان هر جامعه ای شاهی برمی انگیزیم و تو را به عنوان شاهد این مردم می آوریم. ما این کتاب را بر تو نازل کرده ایم تا همه چیز را توضیح دهد و هدایت و رحمت و مژده ای باشد برای تسلیم شدگان.

عبارت (الکتاب تبینا لكل شیء) در آیه بالایی خیلی واضح اعلام می دارد که خدا هر چیزی را در کتاب بیان کرده است. خدای مهربان عمدا میفرماید **کتاب** بیان کننده هر چیزی است نه کسی دیگر. این یعنی خود قرآن همه چیز را بیان کرده است و احتیاجی به بیان اضافی نیست. آیات زیر بیان می کنند که کتاب خدا کامل است و نیازی به روایات نیست.

[۳۷:۱۱۷] وَآتَيْنَهُمَا الْكِتَابَ الْمُسْتَبِينَ

[۳۷:۱۱۷] و کتابی آسمانی، عمیق و پرمحتوا به هر دو عطا کردیم.

[۳:۱۳۸] هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ

[۳:۱۳۸] این اعلامی است برای مردم و هدایت و تعلیم روشنگری است برای پرهیزکاران.

[۶:۱۱۴] أَفَغَيْرَ اللَّهِ أَبْتَغِي حَكْمًا وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا وَالَّذِينَ ءَاتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنْزَلٌ مِّن رَّبِّكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ

[۶:۱۱۴] آیا غیر از قانون خدا به منبع دیگری رجوع کنم، در حالی که او این کتاب را با تمام جزئیات* برای شما نازل کرده است؟ کسانی که کتاب آسمانی دریافت کردند، تشخیص می دهند که این از جانب پروردگارت با حقیقت نازل شده است. هیچ شکی به خود راه نده.

[۲۵:۳۳] وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا

[۲۵:۳۳] آنها هرگونه دلیلی بیاورند، ما حقیقت و درکی بهتر به تو عطا می کنیم.

عده دیگری جهت توجیه پیروی از روایات و احادیث، می گویند که جزئیات نماز در قرآن ذکر نشده است و بعد نتیجه می گیرند که آنها برای این کار به حدیث نیازمندند!

ابتدا باید بدانیم که تکالیف دینی (نماز - زکات - روزه - حج) از پیامبر ابراهیم به پیامبر محمد رسیده است و پیامبر محمد در این مورد پیرو پیامبر ابراهیم بوده است. نماز در تمام ادیان آسمانی بعد از ابراهیم بوده است و همه آنها نماز به جا می آورده اند. اما بعد از مدتی آنها نماز را ضایع (تحریف) و ترک کردند. مسیحیان نمازها را گم و ضایع کردند و از نتایج آن رنج میبرند زیرا که مناسک مذهبی هدیه ای است از طرف خدا به جامعه بشریت. هر جامعه ای آن را حفظ کند، بیشتر به خدای مهربان نزدیکتر است.

[۱۹:۵۹] فَخَلَفَ مِنْ بَعدِهِمْ خَلْفًا أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ عَذَابًا

[۱۹:۵۹] پس از آنها، او نسل هایی را جایگزین آنان کرد که نمازها (ارتباط با خدا) را ضایع کردند و از شهوات خود پیروی نمودند. آنها از نتایج آن رنج خواهند برد.

همیشه عده ای بوده اند که نماز را حفظ کرده اند. افرادی مثل نصرانیان (شاخه ای از مسیحیان) آن را حفظ کردند. بطوریکه نصرانیان فعلی در سوریه و حلب دقیقاً مثل ما نماز میخوانند (۱۷ رکعت در شبانه روز) و همچنین یهودیه‌های مسکو هنوز هم نمازشان را دقیقاً با همان حرکات به جا می آورند. حفظ نماز مسئولیتی است بر دوش بشریت، اگر ما اینقدر بی مسئولیت باشیم که نمازها را گم کنیم، نماز نخواندن شایسته ماست.

[۳۱:۱۷] يٰبَنِيَّ اَقِمِ الصَّلَاةَ وَاْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَاَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاَصْبِرْ عَلٰى مَا اَصَابَكَ اِنَّ ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْاُمُورِ [۳۱:۱۷] "ای پسر من، نمازها (ارتباط با خدا) را به جا آور. طرفدار پرهیزکاری باش و پلیدی را منع کن و در برابر سختی ها صبور باش. اینها از برجسته ترین صفات است.

[۱۹:۵۵] وَكَانَ يَأْمُرُ اَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا [۱۹:۵۵] او به خانواده اش سفارش می کرد تا نمازها (ارتباط با خدا) را به جا آورند و زکات (انفاق واجب) را بدهند؛ او مورد قبول پروردگارش بود.

[۲۰:۱۳۲] وَاْمُرْ اَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاَصْلَحْ عَلَيْهِمْ لَّا نَسْأَلَكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَقِبَةُ لِلتَّقْوٰى [۲۰:۱۳۲] باید به خانواده خود سفارش کنی تا نمازها (ارتباط با خدا) را به جا آورند و صبورانه در انجام آن ثابت قدم باشند. ما از تو روزی نمی خواهیم؛ ما هستیم که روزی تو را فراهم می کنیم. پیروزی نهایی متعلق به پرهیزکاران است.

مسیحی ها نمازها را گم کردند و عده ای از مسلمانان فعلی هم نمازها را ضایع کرده اند، بطوریکه نام غیر خدا را وارد نماز نموده اند. نماز سیستم مشخصی است که طی (قیام و سجود و رکوع) پنج بار در شبانه روز انجام میشود. قرآن تعلیم می دهد که ابراهیم بدون شک بنیان گذار اسلام به روش امروزی است. دعای ارتباطی (نماز) را مخالفان محمد هم می خواندند. تمام جوامع عرب قبل و بعد از زمان محمد رسول خدا، پیرو دین ابراهیم بودند. از این قرار، ابو لهب، ابو جهل و مشرکین قریش نمازهای پنج گانه را مانند ما انجام می دادند، به استثناء فاتحه ابراهیمی بجای فاتحه قرآنی. حتی نصرانیهای زمان پیامبر محمد هم دقیقاً نمازهای پنجگانه را مثل ما میخواندند. در تاریخ ذکر شده است: مسلمانانی که به طایف رفته بودند و آنجا نماز میخواندند مشرکان به آنها میگفتند که آنها نصرانی شده اند. در حقیقت پیامبر محمد و همراهانش در اولین روز بعثت و حتی قبل از آن نماز میخواندند. حتی یک حدیث (برای نمونه یک حدیث) یافت نمیشود که کسی از مسلمانان در زمان محمد رسول خدا از او پرسیده باشد که نماز

خواندن چطور است؟ حتی اگر طریقه نماز خواندن هم در کتب حدیث موجود باشد (که موجود نیست و تا حالا کسی نتوانسته است براساس حدیث، نماز بجا آورد)، باز هم خود مسلمانان طریقه نماز را از حدیث یاد نگرفته اند و معلوم نیست که چرا باید از چیزی دفاع کرد که فایده ای ندارد.

متأسفانه شیطان این را به مردم القا کرد که نماز در قرآن نیست و جزئیات دین ناکامل است سپس آنان را به سمت کتب حدیث متمایل کرد، غافل از اینکه، وعده های شیطان سراب است و در واقع شیطان به آنان دروغ بسیار بزرگی وعده داده بود؛ زیرا آنچه که شیطان میگفت در کتب حدیث نبود. دروغی که شیطان گفت، شبیه همان دروغی بود که جدمان آدم را با آن وسیله از بهشت بیرون کرد. این خواست خدای متعال است که طرفداران کتب حدیث با جستجوی تمام کتب حدیث به طریقه انجام نماز نخواهند رسید.

خدای مهربان نسل به نسل حرکات نماز را حفظ کرده است و حتی در زمان پیامبر، نماز کامل به جا آورده میشد و کسی هم از پیامبر سوال نکرد که حرکات نماز را برای ما بنویس. کتابهای حدیث پر است از مطالب گمراه کننده. هیچکس برای یک ذره شیر، یک گاو با جنون گاوی را نمی خرد. برای دانستن چیزی که همه بلدند، کسی نباید حدیث و سنت را منبع دینش قرار دهد. حرکات نماز را همه مسلمانان میدانند. واقعا پس چرا ما خود را در انبوهی از احادیث شک و گمان، سرگردان کنیم؛ در حالی که طریقه نماز خواندن در احادیث نیست.

تمام حرکاتی که یک نمازگزار باید انجام دهد در قرآن به صراحت ذکر شده است همچون ایستادن (۳:۳۹ و ۳۹:۹) رکوع و سجود (۲:۴۳ و ۹:۱۱۲ و ۳:۴۳).

زمان پنج وعده نماز صراحتاً در قرآن ذکر شده است:

- ۱- نماز صبح : ۲۴:۵۸
- ۲- نماز ظهر : ۱۷:۷۸
- ۳- نماز عصر : ۲:۲۳۸
- ۴- نماز مغرب : ۱۱:۱۱۴
- ۵- نماز عشا : ۲۴:۵۸ و ۱۱:۱۱۴

تمام حرکات و کلمات نماز در قرآن اثبات شده است. برای جزئیات بیشتر نماز در قرآن، به صفحه زیر مراجعه شود.

<http://universalunity.org/17.html>

۱۹- احادیث ساده ترین قواعد یکتاپرستی را زیر پا می گذارند

احادیث و روایات ساده ترین و بدیهی ترین مبانی و قواعد یکتاپرستی را نقض می کنند. در این مورد روایات زیاد است؛ برای نمونه به دو روایت زیر توجه کنید. در کتابهای حدیث ذکر شده است که تمام جهان و مافیها بخاطر پیامبر محمد آفریده شده است! البته اگر به یک مسلمان بگویید که این حدیث شیطانی است، شما را متهم به توهین به پیامبر محمد می کنند! ای مردم بیاید ببینیم که آیا خدا هدف خلقت را در قرآن ذکر نموده است؟

[۵۱:۵۶] وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ

[۵۱:۵۶] من جن ها و انسان ها را نیافریدم مگر آنکه فقط مرا پرستند.

خدا در قرآن می فرماید که جن و انس بخاطر "عبادت فقط خدا" آفریده شده اند. همانطور که می بینید، احادیث خیلی موزیانه، مردم را به پرستش پیامبر دعوت می کنند و خیلی ساده و موزیانه، آیات قرآن را زیر پا می گذارند.

[۱۷:۴۶] وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَوُاْ

عَلَى أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا

[۱۷:۴۶] ما بر افکارشان پوشش می نهیم و بر گوش هایشان کری تا نفهمند. و هنگامی که فقط از روی قرآن درباره پروردگارت موعظه می کنی، آنها با بیزاری می گریزند.

برای تحقیق بیشتر در احادیث و روایات به حدیث زیر هم توجه نمائید:

قال ابو عبد الله عليه السلام .. ما كان من هذا الرعد فانه من امر صاحبكم قلت من صاحبنا؟ قال امير المؤمنين علي عليه السلام (الاختصاص المفيد ص ۳۲۷ بحار الانوار جلد ۲۷ ص ۳۳)
ترجمه حدیث: ابو عبدالله (سلام بر او) گفت این رعد و برق از کیست گفت از صاحب شما گفت صاحب ما کیست؟ گفت امیر مومنان علی (سلام بر او).

اما واقعا بیایید این حدیث را با قرآن مقایسه کنیم تا که ببینیم چه کسی ابرها را می گرداند و تدبیر رعد و برق دست کیست؟

[۷:۵۷] وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّى إِذَا أَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقْنَهُ لِبَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَنْزَلْنَا

بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَى لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

[۷:۵۷] اوست که بادهای نوید بخش را چون رحمتی از دست هایش می فرستد. هنگامی که بادهای ابرهای گرانبار را جمع می کنند، ما آنها را به سوی سرزمین های مرده می رانیم و از آن آب فرو می فرستیم، تا با آن انواع میوه ها را به عمل آوریم. ما این چنین مردگان را برمی انگیزیم، باشد که توجه کنند.

[۱۳:۱۲] هُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنْشِئُ السَّحَابَ الثِّقَالَ

[۱۳:۱۲] اوست که برق آسمان را چون منشایی از بیم و امید به شما می نمایاند و ابرهای پر بار را پدید می آورد.

همانطور که دیدید، احادیث، مبانی ساده و ضروری یکتاپرستی را هم نقض می کنند. قطعاً و بدون شک، کتابهای حدیث، پیام خدا نیستند و فقط برای مقابله با پیام خدا درست شده اند. ای مردم بیاید به فرمایشات خدای متعال که قرآن کتابی کامل، بی عیب، و مفصل است ایمان آورید. با وجود قرآن نیازی به پیروی از منابع ضد و نقیضی چون حدیث و سنت نیست. اگر می خواهید راه و روش پیامبر اسلام را در پیش گیرید به کتاب خدا ارج نهید و فرامین خدا در قرآن را قویا بپادارید تا رستگار شوید.

۱:۲ ستایش خدا راست، پروردگار عالمین.

احمد شربت اوغلی

اسعد حسینی

Website Addresses: www.messageofgod.blogfa.com

Email Address: messageofgod262@gmail.com